

تاریخ یک کنش سیاسی است

«فلسفه علم تاریخ: از روشنگری تا
پسا تجدد»

نازنین صفایی

مجموعه «نظریه و روش در مطالعات تاریخی» که کتاب حاضر در زمره آن قرار می‌گیرد، مجموعه کتاب‌هایی است که به قصد رفع خلأهای نظری و روش‌شناختی در پژوهش و آموزش تمامی شاخه‌های مطالعات تاریخی در ایران و با توجه به رویکردهای میان‌رشته‌ای فراهم آمده است. یکی از اهداف اصلی این کتاب نیز اقناع مخاطب در این زمینه است که نظریه‌پردازی فلسفی نه تنها در حوزه مطالعات تاریخی موضوعیت دارد بلکه از بخش‌های غیرقابل منفک این حوزه مطالعاتی نیز به شمار می‌رود.

موسسه «همکاری‌های بین رشته‌ای اکنون» در نخستین نشست خود در سال جاری اقدام به برگزاری جلسه‌ای در نقد و بررسی کتاب «فلسفه علم تاریخ: از روشنگری تا پسا تجدد» نموده است. این نشست با حضور عباس منوچهری، (مترجم و سرویستار کتاب) و عضو هیات علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، حسین مصباحیان، عضو هیات علمی گروه فلسفه دانشگاه تهران و بهزاد کریمی عضو هیات علمی گروه ایران‌شناسی دانشگاه میبد در تاریخ چهارشنبه 28 اردیبهشت‌ماه 1401 برگزار شد. آنچه در ادامه می‌خوانید فرازهایی کوتاه از این نشست است.

پارادایمی دیدن تاریخ

عباس منوچهری: در مجموع در بررسی کلی اثر یادشده و برای روشن شدن بهتر موضوع سه نوع مواجهه با امر تاریخی در این کتاب به چشم می‌خورد؛ یکی سیر تاریخ است یعنی وی‌راستاران کتاب می‌آیند و دوران کلاسیک تا مثلاً مدرن یا امروز را بررسی می‌کنند و تمدن‌های مختلف را در دوران‌های متفاوت بررسی و دسته‌بندی می‌کنند. دوم تاریخ را به گونه پروسه‌ای و فرآیندی دیدن است. در این کتاب دوران‌های مستقل از یکدیگر قرار دارند و طرح می‌شوند. یعنی نه به عنوان مرحله‌ای در

سیر تاریخی و امر تاریخی مبدل به همان دوران میشود و سومین رویکردی که این کتاب دارد بدون آنکه خیلی آن را برجسته سازد اما در عمل انجام داده است؛ پارادایمی دیدن تاریخ است. یعنی اینکه سیر فلسفه‌های علم تاریخ را در تاریخ نمی‌بیند بلکه آنها را در طول زمان می‌بیند. به عنوان مثال يك نوع فلسفه تاریخ مطرح شده و متفکرانی را که متعلق به آن نگاه هستند ولی در دوران‌های مختلف و چه بسا دور از هم زیست کرده‌اند را ذکر می‌کند و آرای ایشان را در کنار یکدیگر قرار می‌دهد. مثلاً ممکن است کسانی که ذیل تاریخ‌گرایی کلاسیک قرار گرفته‌اند با قطعیت‌گرایان یا پوزیتیویست‌ها هم‌عصر بوده‌اند اما در نهایت ذیل يك نوع از فلسفه تاریخ قرار گرفته‌اند. نکته دیگر که خوب است اشاره کنم این است که عنوان اصلی کتاب «فلسفه‌های علم تاریخ» است. اما با توجه به رویکرد پارادایمی این اثر می‌توان عنوان «فلسفه علوم انسانی» یا «فلسفه‌های علوم انسانی» را برایش انتخاب نمود.

چرا که به باور من این عنوان می‌تواند يك جور روش‌شناسی در علوم انسانی- تاریخی هم باشد یعنی شیوه‌های متفاوت اندیشیدن در باب زمان و تاریخ که در این کتاب کار شده است و روش در اینجا به معنای شیوه‌های اندیشیدن است. البته نه به يك اندازه یا به يك میزان. ممکن است گفته شود هر سه وجه یاد شده یکی هستند. ما بحثی در این مورد نداریم ولی باید سعی شود این یکی بودن را تقلیل‌گرایانه نبینیم یعنی هر سه را به يك چیز تقلیل ندهیم. اهمیت این کتاب به هیچ‌وجه منحصر به حوزه مطالعات تاریخی نیست و دارای رویکرد میان‌رشته‌ای است.

فلسفه علم تاریخ

حسین مصباحیان: به‌طور کلی از سال 1394 به این طرف سه اثر مهم در حوزه فلسفه انتقادی تاریخ که آقای دکتر منوچهری به درستی نام آن را «فلسفه علم تاریخ» گذاشته‌اند منتشر شده است. یکی کتابی است از آلن مانسلو تحت عنوان «واساخت تاریخ» که دکتر مجید مرادی آن را به فارسی برگردانده است. دیگری کتاب «برساخت گذشته» است که دکتر محمدرضا بهشتی ویراستار علمی آن بوده است و خانم ماریا ناصر این اثر را ترجمه کرده است و دیگری همین کتاب «فلسفه علم تاریخ» است که در مقایسه با دو اثر قبلی که البته هر دو اثر نامبرده دارای اهمیت هستند. کتاب حاضر به نظر من جامع‌ترین کتابی است که در زمینه فلسفه علم تاریخ به زبان فارسی داریم. از ديلتای به این سو ما با سنت دیگری در تاریخ مواجه هستیم و آن این است که درباره علمی که داریم بیندیشیم و اینجاست که سروکار ما با فلسفه علم

تاریخ یا فلسفه انتقادی تاریخ است. در حوزه فلسفه نظری تاریخ اندیشیدن فلسفی به تاریخ است که مورد توجه قرار می‌گیرد و با این ملاحظات می‌خواهم عرض کنم که نقد کتاب‌هایی نظیر فلسفه علم تاریخ به عنوان کتاب درسی تقریباً امکان‌ناپذیر است. بنابراین این جلسات باید به حساب معرفی اثر و کمک برای بیشتر خواننده شدن این آثار توسط معلمان تاریخ باشد. به ویژه اینکه ویراستاران کتاب از طریق طرح نکات درست در مقدمه کتاب روزه‌های مواجهه انتقادی را هم بسته‌اند.

من فکر می‌کنم کتاب فلسفه علم تاریخ يك آنتولوژی است یعنی دستچینی از متون مهم در فهم تاریخ است و می‌توان گفت جای کسانی چون ویکو، توین‌بی و اَشپینگر در آن خالی است. کتاب فلسفه علم تاریخ شبیه به کتاب چهره‌های تاریخ است که در سال 1998 یعنی دو سال قبل از این کتاب پدید می‌آید و به دوره قبل از روشنگری می‌پردازد.

کتاب دیگر با نام «دفاع از تاریخ از ایوانس است که به مناظرات معاصر بین مورخان درباره تاریخ پرداخته است. نقد چنین کتاب‌هایی یا مواجهه با چنین کتاب‌هایی به نظر من فقط در دو جهت می‌تواند پیش برود یکی اینکه چرا يك جریانی از جریان‌ات درباره فلسفه علم تاریخ را برگزار نکردند و یکی دیگر اینکه به نقد يك دیدگاه یا آثار يك متفکر پردازیم که قطعاتی از نظریات ایشان نیز در این کتاب آورده شده است».

نکته بعدی که دارم ناظر بر همین دو جهت‌گیری است. اول اینکه به‌رغم توضیحاتی که دادم چرا يك جریان بزرگی را در این کتاب مطرح نکرده‌اند و ویراستاران این کتاب مفروض گرفته‌اند و دیدگاه‌شان اصولاً این است که پرداختن فلسفی به تاریخ برابر کار مورخان اهمیت اساسی دارد و جریان مخالف آن را نادیده گرفته‌اند و باورشان این است که چون و چرا کردن فلسفی در علم تاریخ اهمیت دارد و بر پایه همان داوری متونی را جمع کردند. ولی پرسش اینجاست که مگر آن فیلسوفی که این چون و چراها را اصولاً بی‌حاصل می‌داند بحث فلسفی نکرده است؟ و اگر آن متون هم می‌آمد و در این آنتولوژی قرار می‌گرفت آیا نزاع بین تفاسیر بهتر شکل نمی‌گرفت؟ یا عدم طرح این جریان در کتابی که در واقع يك آنتولوژی است و مطابق عنوانش قرار است فلسفه علم تاریخ را از روشنگری تا پسامدرنیته پوشش دهد جای آن آیا خالی نیست؟

مساله و پرسش اصلی در این حوزه این است که ما يك دسته فیلسوفان ناقلی داریم که هم درباره فلسفه فلسفه یعنی «Meta philosophy» و هم در حوزه فلسفه علم تاریخ این پرسش‌ها را پرسش‌های بی‌موردی می‌دانند. مثلاً ریچارد رورتی از موضع نوپراگماتیستی که در کتاب فقط

در دو جا مشاهده کردم و مورد اشاره قرار گرفته است، می‌گوید مورخان اصولاً همانند صاحبان معارف دیگر ممکن است علاقه‌مند به فلاسفه یا فلاسفه باشند ولی اگر تصور کنیم که فلاسفه می‌توانند به بهبود کیفیت کار تاریخدانان کمک کنند شما توقع زیادی از فلاسفه دارید. از نظر ریچارد رورتی این عجیب است که یک تاریخدان نیاز به کنکاش فلسفی در مورد وضعیت معرفت‌شناسی رشته خودش را یا وضعیت هستی‌شناختی روایت خودش را از فلاسفه داشته باشد یا شخصی مانند گیلبرت رایل که فیلسوف برجسته‌ای در سنت تحلیلی فلاسفه محسوب می‌شود درباره درگیر شدن ذهن با پرسش‌هایی که درباره روش هستند، می‌گوید ما را از پی‌گرفتن خود این روش‌ها باز می‌دارد و مثال می‌زند که این قاعده معروفی است که وقتی زیاد درباره پای‌خودمان فکر می‌کنیم نه بهتر که بدتر می‌دویم.

طبیعتاً من با این دیدگاه‌ها به هیچ‌وجه موافق نیستم ولی عمیقاً و شخصاً موافقم که طرح این بحث‌ها خیلی راهگشاست و پرسش از چیستی معرفت را جدی‌ترین، مزاحم‌ترین و در عین حال دشوارترین پرسش هر معرفتی می‌دانم. ولی احساس می‌کنم که اگر این سازهای مخالف هم در این آنتولوژی قرار داده می‌شد که بخش‌هایی از مورخان ما را هم نمایندگی می‌کند بحث جدی‌تری می‌توانست در این کتاب در بگیرد. این تنها ملاحظه انتقادی است که البته به نظر من می‌توان در مورد این آنتولوژی داشت.

کتاب فلاسفه علم تاریخ کتاب فوق‌العاده‌ای است و انشاءالله که مورخان از این کتاب بهره و استفاده کافی و وافی را ببرند. در عین حال معتقدم معرفتی که نخواهد خود را توضیح دهد یعنی نتواند بگوید موضوع و روشش چیست با آن معرفت باید با علامت تردید مواجه شد.

مقاومت در برابر تفلسف تاریخی

بهزاد کریمی: در حال حاضر ما با اکثریتی از پژوهشگران تاریخ مواجه هستیم که اصولاً در برابر نظریه و در برابر هرگونه تفلسف به اصطلاح تاریخی و تاریخ فیلسوفانه و هر تعبیری که بشود به کاربرد به‌شدت مقاومت می‌کنند و این اکثریت مورخان کاملاً با رویکردهای قطعیت‌گرایانه که من فکر می‌کنم شاید اگر پوزیتیویستی بود بهتر می‌بود همچنان در حال سامان دادن به امور رشته تاریخ در کشور هستند. این ماجرا ماجرای جدی هست از این جهت که باعث می‌شود ما همچنان از دانش جهانی عقب بمانیم. مثلاً همین کتاب فلاسفه تاریخ با 22 سال تاخیر دارد ترجمه می‌شود و کتاب‌های دیگری که با 30 الی 40 سال تاخیر دارند در این حوزه همچنان ترجمه می‌شوند. الان دیگر حقیقت تام و تمامی در کار نیست و حتی اساتیدی که از

گذشته تا حال از تاریخ برای تاریخ دفاع می‌کنند دیگر نمی‌توانند به صورت خیلی متعصبانه این امر را مطرح نمایند. باید بپذیریم که نمی‌توان به حقیقت تاریخی به صورت کامل دست پیدا کرد و ما باید به عنوان پژوهشگر تاریخ با آنچه انجام می‌دهیم به لحاظ فلسفی و نظری آشنا باشیم و این امر متأسفانه همچنان با وجود پیشرفت‌ها و تحولاتی که عرض کردم هنوز تبدیل به يك جریان اصلی نشده است چرا که همچنان حقیقت تاریخی و دست یافتن به حقیقت تاریخی با روش‌ها و رویکردهای پوزیتیویستی در دانشگاه‌ها حاکمیت دارد. البته این امر شاید به این دلیل باشد که يك نوع معرفی نادرست هم از برخی جنبه‌های پست‌مدرنیسم در بین دانشگاهیان انجام شده است که باعث شده این گمان و نگرانی وجود داشته باشد که اگر حقیقت تاریخی در خطر قرار بگیرد حقیقتاً ریشه رشته تاریخ زده خواهد شد و رشته تاریخ دیگر معنایی نمی‌تواند داشته باشد. گاهی اوقات پرسشی مطرح می‌شود مبنی بر اینکه چرا به‌رغم حمایت از نظریه و فلسفه تاریخ در تحقیقات تاریخی باز هم خروجی‌ها اغلب در زمره کارهای توصیفی تاریخ قرار دارد؟ من عرض می‌کنم که حقیقتاً هدف این نیست که ما نظریات را وارد تاریخ کنیم که اگر این کار انجام بشود شاید يك کار ایده‌آلی باشد. مهم این است که ما با همین روش‌هایی که در حال حاضر در دانشگاه وجود دارد، بتوانیم مسائل، رویکردها و منابع جدیدی را در حوزه تاریخ مطرح کنیم مثلاً از حدود ده، پانزده سال قبل که تاریخ شفاهی در ایران پدید آمد کمی غیرمعمول بود که به جای منابع مکتوب به انسان‌های جامعه مراجعه کنیم. چرا که در تاریخ شفاهی ما با انسان‌ها سروکار داریم. تاریخ شفاهی اساساً محصول نگاه‌های چپ به تاریخ است اینکه تاریخ صرفاً در نهاد قدرت و در امر سیاسی خلاصه نمی‌شود. ما اگر بخواهیم به‌طور کامل تاریخ را در حوزه تاریخ معاصر بشناسیم باید به سراغ آدم‌ها برویم و نه آدم‌های لزوماً مشهور و سرشناس بلکه باید به سراغ آدم‌های معمولی مثل کارگران، گروه‌های حاشیه‌نشین، اقلیت‌های مذهبی یا سرکوب‌شده‌ها برویم. ما از دورانی که تاریخ منحصر به تاریخ سیاسی و نظامی و شخصیت‌ها بود گذار کرده‌ایم و در حال حاضر حقیقتاً يك تکثر را در رشته تاریخ شاهد هستیم. تاریخ‌های اجتماعی، تاریخ قضا، تاریخ فرهنگی، تاریخ شفاهی، تاریخ‌های مختلف اقتصادی، تاریخ از پایین و صداهای خاموشی که در جامعه وجود داشت در حال شنیده شدن است مثل تاریخ جنسیتی یا تاریخ زنان و خب ما به همه اینها به لطف فلسفه‌های جدید تاریخ دست یافته‌ایم. من اعتقاد دارم يك تکثری از حیث رویکرد، منابع، روش‌ها باید وجود داشته باشد و حتی اکنون چارچوب‌های گسترش‌یافته پوزیتیویستی ادعای قطعیت‌گرایی تام ندارند و مایل هستند که حقیقت

تاریخی را حفظ کنند و باید هم همین گونه باشد چرا که اگر به حقیقت تاریخی خدشه وارد شود ما نمی‌توانیم دیگر از رشته تاریخ صحبت کنیم و این مساله خیلی خطرناک است و به لحاظ سیاسی هم خطرناک است یعنی دیدگاه‌های پست‌مدرنیسم که حالا جای بحث آن‌هم اینجا نیست از این لحاظ می‌تواند خطرناک باشد که زورمندان و حاکمان و دیکتاتورها می‌توانند هر چیزی را به اسم حقیقت جا بزنند و به خورد ما دهند. عرضم این است که به عنوان پژوهشگر تاریخ بسیار خوشوقتم که کتاب‌هایی چون «فلسفه علم تاریخ» دارد کار می‌شود، ترجمه یا تالیف می‌شود و نهادهایی چون موسسه اکنون، شخصیت‌ها و کتاب‌ها همگی فضای بسیار خوبی را فراهم کرده که حالا ما تاریخ را امروز نه تنها برای تاریخ بلکه تاریخ را برای امروز و اکنون و تاریخ را برای آینده بخوانیم و من باز اعتقاد دارم که تاریخ بی‌بربرگرد يك کنش سیاسی است و معتقدم اگر يك تاریخ درست بخواید در حال حاضر نوشته شود، نمی‌تواند بی‌ارتباط با امروز باشد. نمی‌تواند به آینده ما ربط نداشته باشد. چرا که اگر مرتبط نباشد تبدیل می‌شود به يك تاریخ داستانی یا روایت یا قصه‌ای می‌شود که فقط به کار سرگرم کردن آدم‌ها می‌آید و عرض می‌کنم که به هر حال این کتاب‌ها و ترجمه این کتاب‌ها امر مبارکی است و امیدوارم آقای دکتر منوچهری که از حوزه سیاست آمده‌اند و کمک کردند هم به فلاسفه و هم به مورخان از این کارها دوباره انجام دهند. فقط ای کاش عنوان کتاب یعنی فلسفه‌های علم تاریخ تغییر پیدا نمی‌کرد چون ظاهراً قطعاتی که آمده است یا فلسفه‌هایی که در این کتاب بدان‌ها توجه نشان داده شده است خیلی خیلی فراگیر و کامل است و هم فلسفه علم تاریخ را دربر می‌گیرد و هم فلسفه تاریخ را و به‌رغم اینکه آقای دکتر منوچهری گفتند يك نگاه پارادایمیک بر کتاب حاکم بوده ولی چیدمان مطالب به نظرم وقایع‌نگارانه آمد یعنی دارای ترتیب تاریخی بود.

از ديلتاي به اين سو ما با سنت ديگري در تاريخ مواجه هستيم و آن اين است که درباره علمی که داریم بیندیشیم و اینجا است که سروکار ما با فلسفه علم تاریخ یا فلسفه انتقادی تاریخ است.

از نظر ریچارد رورتي این عجیب است که يك تاریخدان نیاز به کنکاش فلسفی در مورد وضعیت معرفت‌شناسی رشته خودش را یا وضعیت هستی‌شناختی روایت خودش را از فلسفه داشته باشد.

کتاب فلسفه علم تاریخ يك آنتولوژی است یعنی دستچینی از متون مهم

در فهم تاریخ است و می‌توان گفت جای کسانی چون ویکو، توین‌بی و اشپینگر در آن خالی است. کتاب فلسفه علم تاریخ شبیه به کتاب چهره‌های تاریخ است که در سال 1998 یعنی دو سال قبل از این کتاب پدید می‌آید و به دوره قبل از روشنگری می‌پردازد.

منبع: [www.iranlib.com](#) 23 [www.iranlib.com](#) 1401